

هوشیاران عالم

به دستور مأمون، مجلسی از فقها و فیلسوفان فرقه های مختلف، در حضور امام رضا(ع) تشکیل شدو خود مأمون نیز در مجلس شرکت کرد، در این مجلس، یکی از علمای امام رضا(ع) پرسید: مقام امامت برای مدّعی آن از چهراهی



می دهید؟ امام فرمود: هیچ مؤمنی نیست مگر این که دارای هوش تیز و سرعت انتقال است و بانور خدا به اندازه ایمان و بصیرت و شناخت اش، به‌اشیامی نگردو خداوند در وجود امامان (ع) آن چهره که در میان همه مؤمنان گذاشته، جمع کرده است.

عیون اخبار الرضا(ع)

همشهری سلام! | همشهری سلام! | همشهری سلام! | همشهری سلام! | همشهری سلام!



گناباد
۲۳ ▴ ۳۴ ▾



کاشمر
۲۷ ▴ ۴۰ ▾



نیشابور
۲۳ ▴ ۳۸ ▾



فوجان
۲۰ ▴ ۳۶ ▾



سبزوار
۲۹ ▴ ۴۱ ▾



درگز
۲۷ ▴ ۳۸ ▾



تربت حیدریه
۲۷ ▴ ۳۸ ▾



تربت جام
۲۷ ▴ ۳۸ ▾



تایباد
۲۸ ▴ ۳۹ ▾



مشهد
۲۴ ▴ ۳۷ ▾

آب و هوا

امروز

یک فراز دعا

إِلَهِیْیَ لَمْ یَكُنْ لِی حَوْلٌ قَاتِلٌ عَلَیَّ عَنْ مَعْصِیَتِكَ إِلَّا فِی وَقتٍ أَیْقُظُنِّیَ لِمَحَبَّتِكَ
خدایا! جانی ندارم که با آن خودم را از بند گناه و نافرمانی ات بیرون بکشم، تو با محبت ات مرا از این خواب آشفته بیدار کن.

مناجات شعبانیه

حکایت

نقل است که منصور خلیفه شبی وزیر را گفت: «برو صادق (ع) را ببار تا بکشم.» وزیر گفت: «اودر گوشه ای نشسته است و عزلت گرفته و به عبادت مشغول شده و دست از ملک کوتاه کرده و امیر را از وی رنجی نه. از کشتن وی چه فایده بود؟» هر چند گفت سودی نداشت. وزیر رفت به طلب امام جعفر صادق (ع). منصور غلامان را گفت: «چون صادق در آید من کلاه از سر بردارم، شما او را بکشید.» وزیر صادق (ع) را در آورد. منصور در حال برجست و پیش صادق (ع) باز دوید و در صدرش بنشانید و خود نیز به دوز انو پیش او بنشست. غلامان را عجب آمد. پس منصور گفت: چه حاجت داری؟ صادق گفت: آن که مرا پیش خود نخوانی و به طاعت خدای بگذاری. پس دستوری داد و به اعزازی تمام روانه کرد. در حال، لرزه بر منصور افتاد و عبا بر سر در کشید و بیهوش شد. گویند سه نماز از وی فوت شد. چون باز هوش آمد وزیر پرسید که آن چه حال بود؟ گفت: «چون صادق از در درآمد، از دهایی دیدم که با او بود که لبی بالای صفه نهاد و لبی به زیر صفه؛ و مرا گفت اگر او را ببازاری، تورا با این صفه فروبرم. و من از بیم از دهانداستم که چه می گویم. از وی عذر خواستم و چنین بیهوش شدم.»

عطار نیشابوری، تذکرةالاولیا،

ذکر این محمد امام صادق (ع)

فلسفه به زبان ساده

هر کاری را طوری انجام بده که انگار قرار است آخرین کاری باشد که در زندگی ات انجام می دهی.

مارکوس اوریلیوس، فیلسوف و امپراتور رومی (۱۸۰-۱۲۱ میلادی)

نوع بشر به طور واضح آشکار باز زندگی کردن در زمان حال مشکل دارد، اگر جز این بود فیلسوفان متعدّد این پیام یکسان را تکرار نمی کردند. به ظاهر زندگی در زمان حال – این جاو اکنون – نباید کار دشواری باشد. دقت کنید: در ست جلوی ما، در ست همین حال زندگی ما در جریان است، پس مشکل کجاست؟ سرچشمه ترس ما از زندگی در زمان حال چیست؟ یک دلیلش شاید این باشد که ما در هراس دایم از ناامید شدن و سرخوردگی زندگی فعلی مان توسط وقایع جاری در آن هستیم. ما به شکلی شهودی می دانیم که زندگی در این جاو اکنون، واقعی ترین شکل از چیزی به نام زیستن است که قرار است تجربه کنیم. اما از کجا معلوم که متوجه نشویم این زندگی چیزی کم دارد؟ اگر درک حال، زندگی حال، این جمله را مدام در مغز ما مثل چکش بنوازد که ‘همش همینه!’ تکلیف چیست؟ اگر بفهمیم که این زندگی بدون هیچان یکنواخت و ملال آور است و قرار است همین طور یکنواخت و بی تغییر ادامه یابد یا بدتر از آن سخت و ناعادلانه و رنج آور باشد چه خاکی بر سرمان کنیم؟ برای مقابله با این ترس و سرخوردگی اگر زیست‌انسیلیاستی، ما به شیوه پیشگیرانه «تصور چیزی متفاوت» متوسل می شویم، با تغییر تمرکز خوداگاهمان به آینده برگشته برای تصور یک زندگی غیر جاری متفاوت.

از کتاب «هر بار که معنی زندگی را یافتیم، عوضش کردند»

۴ گوشه ایران



دره نی گاه، یا دره نگار، از جاذبه های بکر و بسیار زیبای مناطق حفاظت شده اشترانکوه در استان لرستان است. این دره که تقریبا ۲۰ کیلومتر طول دارد، از رودی که از دریاچه گهر سرچشمه می گیرد شکل گرفته و به روستای تی ختم می شود. طبیعت بکر و دست نخورده، صخره های بلند با برش های طبیعی و همچنین رودخانه

تنور

عموشاطر

استکان نلیبکی، هدیه وزیر به زوج های جوان!

از آرایشگرها، آتلیه دارها، گل فروش هاوحتی در برخی نقاط از طلافروش ها هم پنهان نیست، لذا از شما چه پنهان که این روزها همین جور دسته دسته جوانان دم بخت با هجوم به دفاتر ثبت ازدواج، در حال مزدوج شدن هستند. شاید با خودتان فکر کنید که احتمالا گشایشی دروام



۲ نه بابا، فکرش کردم، اگه جهرمی وزیر مدنه اینترنتر کجا بخوابونه!

۱ مُگم دکتر جان، مخن تا قبل از این که نرفقم بالا، و قولتان تجدید نظر کنن؟ ۷۰ مادونیم اینترنتر را یگان خیلی به!



۲ حواسم هست لذا از همین چه اعلام مُگم که به هر زوج یک دست استکان نلیبکی تو مراسم پاتختیش کادو مُدم.

۱ مُگم دکتر جان، حالا که وزیر ارتباطات کادو داد، شما که وزیر ورزش و جوانان هستن، نمخن یک کادویی سر عقد بدن؟ بلخره انتخابات هم نزدیکه ها!!!



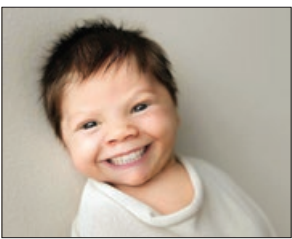
ای کاش به جای استکان نلیبکی، مُگمتم انا ر خوری کادو مُدم! ارزون تر در میامد!

باید انقدر سرعت اینترنتر بیازم پایین که وزیر تنان هیچی دانلود کنن، اول زندگی شگون ندره یکسره پای فیلم بشن

دور دنیا

اگر نوزادان دندان داشتند!

یورپاند۱-ایمی هیل، یک عکاس حرفه ای که از نوزادان عکاسی می کند، با اجازه والدین، از یک اپ تغییر صورت روی عکس آن ها استفاده کرده و با این خلاقیت، تصاویر جالب و خنده داری به وجود آورده است. او اسم این آلبوم را «اگر نوزادان دندان داشتند» گذاشته است.



والی، تمساح احساساتی

اسپوکی- وقتی افسرده ایم و می خواهیم حیوانی را نوازش کنیم تا حال مان بهتر شود، احتمالا تمساح اولین حیوان فهرست مان نیست. با این حال یک مرد پنسیلوانیایی، برای رهایی از افسردگی، با یک تمساح دوست شده و ظاهرا جواب هم گرفته! جو هنی، مرد ۶۵ ساله پنسیلوانیایی، با مشورت دکتر خود، تصمیم گرفت به جای رفتن به مرکز روان درمانی، یک تمساح داشته باشد که او را بغل و نوازش کند. او به گزاشگران گفته تمساح یک و نیم متری اش، والی، خیلی نرم است و نه تنها ترسناک نیست و کسی را گاز نمی گیرد، بلکه از گر به هم می ترسد!



شگفتی آفرینی

از بسته بندی های معمولی

یورپاند۱- در زمانه ای که بسته بندی کالاها، بلافاصله بعد از مصرف دور انداخته می شوند، یک هنر مند ژاپنی به نام هاروکی، از دریچه جدیدی به این بسته بندی ها نگاه کرده و با هنرش شگفتی آفریده است. هاروکی سنسی، به راستی استاد کار خود است و با استفاده از بسته بندی های مقوایی بی مصرف، آثار هنری خلق می کند که با مفهوم کلی بسته بندی نیز، هماهنگی معنایی دارد. ریشه کارهای هاروکی، هنری است که به اورگامی، یا همان هنر کاغذ و تا، بسیار نزدیک است. در واقع این هنر، اورگامی به علاوه برش های ظریف و هنر مندانه است. هاروکی با ترکیب این هنر و مهارت های خلاقانه خود، آثاری آفریده که دیدن شان باعث می شود دیگر هرگز یک بسته بندی را مانند سابق نبینیم.



خاطرات آسمانی

شهید سید هادی مشتاقیان

جانم حسین جانم حسین آقا به جان مادر ت آن مادر غم پرور ت ما مرا نمی از در ت به این بخش از نوحه که می رسید، جمع کوچک ما یکپارچه ناله می شد. گریه امان خود هادی رو هم می برید. هادی همین یه نوحه رو بلد بود و الحق هم قشنگ می خوند. همیشه بهش پيله می کر دیم که دوباره بخونه. چشمای پر از اشک و بغض کود کانه اش موقع خوندن خیلی قشنگ بود. جناز داش رو که بعد از ده روز در آوردن عقب، از اون جمع کوچیک فقط من مونده بودم. با جنازه رفتم مشهد. فوری هم تو خونه شون به عنوان صمیمی ترین رفیقش جا باز کردم. این روز ها، وقتی می رم سراغ بچه ها، سر مزار هادی بیشتر میشینم و سر مومی دارم و سنگ قبرش، بلکه یه بار دیگه برام بخونه: جانم حسین جانم حسین ای جانِ جانانم حسین...

مهارت یک دقیقه ای

چگونه از زباله های خانگی کمپوست درست کنیم؟

هر روز در آشپز خانه منزل شما مقدار زیادی از زباله ها مانند پوست خربزه و هندوانه، هویج، چای های کیسه ای، هسته سیب، پوست موز و تقریبا هر چیز طبیعی دیگری که در آشپز خانه به کار می رود، تولید می شود. شما تقریبا می توانید تمام زباله های طبیعی آشپز خانه تان را باز یافت کنید. البته مواد گوشتی، مواد لبنی و مواد چرب مثل سس سالاد و کره با دام زمینی برای تولید کود در دسر آفرین هستند. برای تولید کمپوست در خانه می توانید از سطل های فلزی در بسته استفاده کنید و آن را در جایی چون بالکن خانه تان قرار دهید. حواس تان باشد که زباله های خانگی جزو مواد "سبز" هستند، در نتیجه هر بار که مقداری زباله آشپز خانه ای به سطل تان اضافه می کنید، روی آن را با حدود ۲۰ سانتی متر از مواد "قهوه ای" مثل برگ های خشک بپوشانید. به هم زدن مواد کمپوست می تواند به جافتادن و آماده شدن سریع آن کمک و از بو گرفتن جلوگیری کند. وقتی به مرحله ای می رسید که کمپوست دیگر گرماتولید نمی کند و رنگ آن قهوه ای و کاملا پوسیده است، می توانید از آن برای تغذیه باغچه یا گلدان های خود استفاده کنید.

تفال

حافظ

رأی سده عشق که پیش کنده نیست

آن جابر آن که جان سپاند چاره نیست

هر که دل بر عشق دی خوش دمی بود

دکار خیر حاجت بیج استخاره نیست

خبرنگار شهری

دوشنبه

۱۴ مرداد ۱۳۹۸

۳ ذی الحجه ۱۴۴۰

۸ صفحه / شماره ۴۱۹۴

بریده کتاب



لذت وقتی در مسیر طبیعی زندگی قرار می گیرد، به معنی واقعی، لذت است اما همان اندازه که طبیعی است، بی ارزش هم می شود. ما به آن عادت می کنیم و برای مان معمولی جلوه می کند، درست مثل لذت نوشیدن، دیدن، حرکت کردن و هر کدام از این ها کافی است از مسیر طبیعی خودش خارج شود. کافی است سرعت مان به ۲۰۰ کیلومتر در ساعت برسد، کافی است مکان مان عوض شود، حرکت مان بالای ابرها یا زیر اقیانوس باشد تا دوباره به شوق بیابیم، تا دوباره شگفتی به سراغ مان بیاید و لذت ببریم. چند وقت پیش لایه لای برنامه های کوتاه و بامزه ای که از تلویزیون پخش می شد، بچه ای را دیدم که به پاره شدن یک تکه کاغذ می خندید. غش می کرد. آن قدر به شوق می آمد که آدم باورش نمی شد. ما هرگز نمی فهمیم که علت خنده او چه بوده اما هر چه بوده خارج از انتظار و خارج از مسیر عادی زندگی اش اتفاق افتاده است. مواجهه ای لذت بخش که درست مثل طنز، یک دفعه ما را به سمتی پرتاب می کند که انتظارش را نداریم.

از کتاب: «لذتی که حرفش بود» نویسنده: پیمان هوشمندزاده

دیالوگ ماندگار

فهرست آرزوها

The bucket list

کارتر چمبر: «می دونی! مصریان باستان عقیده زیبایی در باره مرگ داشتند. وقتی روح آن ها به در بهشت می رسد نگهبانان دو سوال می پرسند. جواب آن ها تعیین می کرد که آیا می توانستند وارد بهشت شوند یا نشوند: "آیا در زندگی ات شادمانی را یافتی؟" "آیا زندگی تو شادمانی را به زندگی دیگران آورد؟"

دیکشنری

Play it cool

Make an effort to be or appear to be calm and unemotional
به روی خود نیاوردن، خونسردی خود را حفظ کردن.
مثال:
Play it cool, man. Look like you belong here
به روی خود نیار پسر، یه جوری رفتاری کن انگار بچه این جایی.
If you play it cool and don't seem too interested, he might lower the price
اگه خونسرد باشی و خیلی ذوق نکنی، احتمالا قیمت رو میاره پایین.

ضرب المثل خارجی

- برای آدم بهانه گیر همیشه بهانه وجود دارد. اسکاتلندی
- وقتی پدر پیزا باشد و مادر سیر، چگونه می توان انتظار بوی خوش داشت؟ عربی
- از دشمن حذر کن و لومور چه باشد. ترکی
- الاغ هفت روش شنابلداست ولی وقتی که آب می بیند همه را از یاد می برد. ارمنی

هایکو

دیری چشم به راهمان می گذارد،
با این همه چه زود فرو می ریزد
روح شکوفه های گیلاس!

سوکی